

www.ketab.ir

مهدیزاده، حسین، ۱۳۶۲ -

بینش تمدنی: منظومه اعتقادات اجتماعی / تقریری از سید محمد مهدی میرباقری

+ تالیف و تقریر حسین مهدیزاده.

قم: کتاب فردا، ۱۳۹۳.

۲۴۹ ص: جدول، نمودار.

تمدن نوین؛ ۲.

۱۰۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۷۵-۶-۲۶-۷

فیا

نمایه

اسلام -- تجدید حیات فکری

تجدد گرایی (اسلام)

شیعه

ولایت فقیه

۱۳۹۳ / BP۲۲۹ / ۸۸۷ ص ۶

۴۸۶/۲۹۷

۳۴۹۸۱۱۸

سرشناسه

عنوان و نام بدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

رده بندی کنگره

رده بندی دیوبی

شماره کتابشناسی ملی



بینش‌های  
منظومه  
اعتقادات اجتماعی

منظومه اعتقادات اجتماعی

بدیدآورنده	حسین فریدی زاده
ناشر	کتاب فردا
مشخصات نشر	چاپ اول / تابستان ۱۳۸۳
شمارگان	۱۱۰۰ نسخه
صفحه آرا	حسین فریدی
طراح جلد	محمد صمدی
ویراستار	عباس بیاتانی
قیمت	۱۰۰۰۰۰ ریال
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۳۷۵-۲۶-۷

قم، خیابان معلم، میدان روح الله،  
نیش کوجه ۱۷، پلاک ۱۰۳  
تلفن: ۳۷۸۴۹۲۷۱ - ۰۲۵  
صندوق پستی: ۳۷۱۵۵-۸۱۳۷



کتاب فردا: ۳۷۷۵۶۹۹۲-۰۲۵  
آفتاب پنهان: ۰۹۱۹۲۵۱۱۰۳۶  
www.BookRoom.ir  
(یاتوق کتاب فردا)

توزیع

فروش اینترنتی

© کتب حقوق مادی و معنوی و هنری اثر  
برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۹	مقدمه مقرر
	گفتار اول جهان‌نگری توحیدی / ۲۱
۲۴	الوهیت و توحید
۳۹	ولایت
۴۱	مقام خلافت الهی
۴۷	شریعت
	گفتار دوم حقیقت تشیع / ۵۳
۵۵	چیستی و تعریف دین
۵۸	گستره دین‌داری
۶۲	قوای درونی
۶۲	قوای بیرونی
	گفتار سوم انسان، جامعه، تمدن، تاریخ / ۶۵
۶۷	انسان
۷۴	جامعه
۸۱	تمدن
۸۲	تاریخ

گفتار چهارم کلیاتی پیرامون فلسفه تاریخ شیعی ۸۹

- ۹۲ مبانی فلسفه تاریخ  
 ۹۵ ارکان فلسفه تاریخ شیعی  
 ۹۵ الف) شناخت دو نظام ولایت حق و باطل مبنای شناخت تاریخ  
 ۹۷ ب) نزاع بزرگ بین حق و باطل  
 ۱۰۲ ج) جایگاه انسان‌ها در حرکت تاریخ  
 ۱۰۳ د) مراحل تکامل تاریخ تا پایان تاریخ  
 ۱۰۷ پایان تاریخ

گفتار پنجم تعالی رحمانی؛ توسعه شیطانی ۱۱۵

- ۱۱۷ مبانی و اقامه  
 ۱۲۴ اقامه دین یا اقامه دنیا؛ تعالی رحمانی یا توسعه شیطانی  
 ۱۲۶ تعریف تعالی و توسعه  
 ۱۲۷ شباهت‌های تعالی و توسعه  
 ۱۳۰ اختلافات تعالی و توسعه  
 ۱۳۳ ناتوانی‌های توسعه غربی

گفتار ششم جریان‌های فعال اجتماعی در جهان اسلام ۱۳۷

- ۱۴۲ ابزارهای مبارزه غرب با جوامع مستقل  
 ۱۴۶ مبنای تقسیمات فرهنگی جهان اسلام در مرزها با تجدید غربی  
 ۱۵۵ گستره حضور اسلام در عرصه حیات فردی و اجتماعی  
 ۱۵۷ نحوه تعامل اسلام و تجدد  
 ۱۶۱ تفاوت نگاه به انقلاب اسلامی و نسبت آن با غرب مدرن  
 ۱۶۴ برنامه و روش اداره ممالک اسلامی  
 ۱۶۸ منازعات اسلام و تجدد در درون جهان اسلام  
 ۱۶۹ مهار غرب‌گرایی

گفتار هفتم نظام اجتماعی مبتنی بر ولایت فقیه ۱۷۷

- ۱۷۹ بررسی کلی نظریات نسبت دین و دولت  
 ۱۸۱ پیش‌فرض‌ها و مبنای تبیین رابطه دین و دولت  
 ۱۸۱ گستره دین  
 ۱۸۲ رسالت دولت  
 ۱۸۵ مبنای مشروعیت حکومت  
 ۱۸۶ ولایت بر جامعه  
 ۱۸۶ مراتب ولایت در جامعه

۱۹۱	ضرورت ولایت دینی بر جامعه
۱۹۲	ضرورت از منظر گستره دین
۱۹۵	ضرورت از منظر رسالت حکومت‌ها
۱۹۷	ضرورت از منظر مبنای مشروعیت حکومت
۲۰۰	نقش رهبر در نظام ولایت دینی
۲۰۲	ضرورت فقاہت در ولایت دینی
۲۰۳	مشروعیت منصب ولایت فقیه
۲۰۴	مشروعیت شخص ولی فقیه
۲۰۵	بررسی «انتصاب» یا «انتخاب» ولی فقیه
۲۰۶	گستره ولایت اجتماعی
۲۰۶	مقدمات بودن به ولایت تاریخی و ربوبیت تکوینی الهی
۲۰۷	مطلق بودن، نسبت به سرپرستی تکامل جامعه
۲۱۰	نسبت ولایت و مرجعیت
۲۱۱	نقش مردم در نظام ولایت فقیه
<hr/>	
گفتار هشتم مأموریت امروز حاکمان؛ «تمدن نوین اسلامی» / ۲۱۹	
۲۲۷	نظریه‌های حل تعارض بین دین و مدرنیته
۲۲۷	راه‌حل مسلمانان سکولار
۲۲۸	راه‌حل مسلمانان مدرن
۲۳۰	راه‌حل مسلمانان تمدن‌خواه
۲۳۳	گستره مأموریت جنبش نرم‌افزاری و تولید علم
۲۳۴	الف) دین‌شناسی و فقاہت دینی
۲۳۵	ب) هنر و زیبایی‌شناسی اجتماعی
۲۳۸	ج) علوم و فنون
۲۴۰	د) نرم‌افزار اداره حکومت
۲۴۱	ه) سبک و شیوه زندگی
<hr/>	
نمایه آیات و روایات / ۲۴۳	
۲۴۴	• آیات
۲۴۶	• روایات

## مقدمه مقرر

یکی از سنت‌های بسیار موفق در جامعه علمی جهان اسلام، سنت تقریرنویسی شاگردان از درس استاید خود بوده است. در این روش، مکتوب‌سازی اندیشه یک متفکر و استاد به عهد شاگردان قرار می‌گرفت و شاگردان در یک رقابت جدی، تقریرات خود را به استاد ارائه می‌کردند و در نهایت یک یا دو تقریر از بین انبوه تقریرات، مورد پسند استاد واقع می‌شد و به‌عنوان تقریر کامل، دقیق و عمیق به جامعه علمی تقدیم می‌گردید.

امروزه دیگر از این سنت موفق در جامعه علمی حوزوی و دانشگاهی خبری نیست. این روزها کمتر دانش‌پژوهی پیدا می‌شود که سالی چند از عمر علمی خود را صرف شاگردی و سپس تقریر اندیشه متفکران بزرگ زمانه خود کند و کمتر متفکری پیدا می‌شود که فرصت آن را داشته باشد تا با پای کودکانه دانش‌پژوهان جوان حرکت کند و آن‌ها را در فهمیدن، مشایعت نماید. در عصر ما رابطه استاد و شاگرد، رابطه‌ای حداقلی در سطح پایان‌نامه‌ها و پروژه‌های علمی مقطعی و رابطه‌ای حداقلی‌تر در سطح

مقالات علمی- پژوهشی و یا تقریظ‌نویسی بزرگان بر کتاب‌های خام و نپخته کوچکان است! شاید به‌همین دلیل باشد که تفکر متفکرین عصر ما، تفکرهای منقطع و بدون امتداد زمانی است؛ یعنی اگر استادی دانشمند، شاگردی قابل و پژوهنده پیدا کند، به علت حداقلی بودن روابط بین آن دو، احتمال اینکه شاگرد جوان راه استاد خود را به‌خوبی بفهمد و سپس آگاهانه ادامه دهد، احتمال معتناهی نیست!

آنچه در این کتاب آمده است، تقریری از اندیشه متفکر فرزانه روزگار ما حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمد مهدی میرباقری است؛ متفکری که «وسیع» و «عمیق» و «منظومه‌وار» می‌اندیشد و این سه خصلت، محصولات فکری وی را بیند و وجود دانش‌پژوهان جوانی کرده است که با حوصله و دقت قلم، در راه ایشان را جمع‌آوری و ثبت و ضبط کنند.

این کتاب کوچک، آسان‌ترین تقریری است که می‌توان از عمومی‌ترین محصولات فکری حجت‌الاسلام‌والمسلمین میرباقری ارائه کرد. البته دست‌یافتن به همین تقریر ساده و عمومی نیز به‌غدغه فکری سال‌های اخیر بنده بوده و تجمیع و تحریر و تألیف کثرت این بارل‌وسیع و عمیق، بیش از دو سال به طول انجامیده است؛ در نهایت نیز مع‌سؤل نیایی، خود گواهی بر ناپختگی فکر و قلم نویسنده شده است؛ چه اینکه در چندین نوبت ویرایش بر کل اثر، ضعف کار آن‌چنان توجهم را جلب کرده است که هر بار از صرافت انتشار این مرقومات افتاده‌ام، اما فقدان محصولاتی از این دست که راهنمایی اولیه برای مشتاقان اندیشه ایشان باشد، مرا به ادامه کار راضی کرده است.

قبل از خواندن این کتاب تذکر چند نکته ضروری است:

الف) کثرت اشتغالات حجت‌الاسلام‌والمسلمین میرباقری باعث آن بود که نتوان همه مفردات این کتاب را به تأیید ایشان رساند؛ چه اینکه اساساً تمایل استاد نیز بر آن نیست که در مفردات کار، شاگردان را زیر نظر بگیرند.



ب) در کشف چارچوبه‌ای برای این سطح از مباحث استاد، دو اثر مهم از ایشان در اختیار بود که در انضباطبخشی به ذهن بنده نقش اساسی ایفا کرده است؛ اولین اثر، مجموعه «نظام اعتقادی» ایست که استاد طی ۲۷ جلسه در سال‌های ۸۷ و ۸۸ تدریس کرده بودند و دومی نیز فرصتی بود که در شهریور ۹۱ از سوی ایشان در اختیار بنده قرار گرفت تا درخت‌واره‌ای از این سطح از مباحث استاد را شاید برای اولین بار از زبان خود ایشان بشنوم.

البته این کتاب، نه دقیقاً منعکس‌کننده دوره تدریس ۲۷ جلسه‌ای استاد است، نه آن نورداری که استاد در اختیار قرار دادند. تدریس ۲۷ جلسه‌ای استاد، زبان سنگین‌تر و در مقیاسی علمی‌تر دنبال شده بود و نمودار استاد نیز لایه‌هایی داشت که هنوز از سوی ایشان به تفصیل ارائه نشده است؛ لذا لازم بود که طرحی مره بر نظر گرفته شود تا هم زبان ساده آن حفظ گردد، هم نظام اندیشه استاد، تا جای ممکن، به ذهن خواننده معرفی شود. محصول، کتابی است که در دستانتان قرار دارد.

ج) هرگز ادعای شاگردی خاص حجت‌الاسلام المسلمین میرباقری را نداشته‌ام؛ لذا این کتاب واجد هیچ بحث منتشر نشده و ناگفته‌ای از استاد نیست. غالب مباحث این کتاب شامل کلاس‌های درس سخنرانی‌های عمومی استاد است که پیش از این، در کتاب‌ها و مقالاتی که از استاد منتشر شده، در اختیار خوانندگان قرار گرفته است. تنها هنرم، تحریر و الفت دادن بین آن‌ها در قالب یک منظومه به‌هم‌پیوسته و دنباله‌دار است که آن نیز پیش از این موجود بوده است. باید کسانی با مطالعه طیف وسیع آن‌ها، یک مجموعه ساده و موجز ارائه می‌کردند که از سر بداقبالی، کم‌سوادترین کسی که می‌توانست این کار را انجام دهد دست به این کار زد و حاصل، آن شد که در این کتاب مشاهده می‌کنید.

د) در متن کتاب، هیچ آدرسی ارائه نشده است که نشان دهد که نکات ارائه شده از کدام منبع اولیه است. این کار به دو دلیل ناممکن بود؛ نخست

اینکه فیش برداری‌های زیادی برای به سرانجام رساندن این کتاب انجام شد که ذکر آدرس هر یک، مخمل ذهن خواننده در هنگام مطالعه می‌شد؛ دوم آنکه حجمی از متونی که از مباحث استاد در دسترس است، متأسفانه به علت جابه‌جایی زیاد، آدرس اصلی سخنرانی آن مخدوش شده است؛ لذا اساساً ارجاع دقیق به فایل‌های صوتی اصلی، کاری بسیار شاق و از عهده بنده خارج بود. در عین حال توضیح خواهم داد که هر گفتار از این کتاب چگونه و از کجا جمع‌آوری شده است.

گفتار اول و دوم این کتاب با عناوین «جهان‌نگری توحیدی» و «حقیقت تشیع» پایه و اساس همه مباحثی است که در اندیشه کلامی استاد وجود دارد و به تعبیر مردم ایشان، باید آن را «اعتقادات پایه» در اندیشه کلامی ایشان نامید. مباحث این دو گفتار از دو جلسه سخنرانی استاد در پردیس قم دانشگاه تهران با عنوان «لابت معصوم» جلسه ۱۵ دوره ۲۷ جلسه‌ای فوق‌الذکر حاصل آمده است. این فصل توسط نویسنده بازنویسی و با فیش‌های پراکنده‌ای از مباحث استاد کامل گردید.

گفتار سوم با عنوان «انسان، جامعه، تمدن، تاریخ»، از مباحث چالش برانگیز این کتاب برای نویسنده بود؛ چراکه در بررسی‌های صورت گرفته، مباحث این فصل هرگز با چنین نظمی و به‌صورت یک‌جا توسط استاد ارائه نشده بودند و نظم پیشنهادی در این کتاب، برای اولین بار جمع‌آوری شد. ضمن اینکه ایشان در سیر بحث نیز غالباً بحث را از بالا به پایین - یعنی از فلسفه تاریخ به سمت انسان‌شناسی ارائه می‌کنند؛ لذا لازم بود که مباحث این فصل از نو و با فیش برداری تهیه شود. برای منظم کردن این فصل، نویسنده در فیش برداری خود از مباحث مرحوم علامه سید منیرالدین حسینی الهاشمی رحمته، استاد فقید جناب حجت‌الاسلام والمسلمین میرباقری و جناب مهندس عباس معلمی از دوستان و همفکران قدیمی ایشان، به ترتیب در بخش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی نیز بهره برده است، تا متن تا جای ممکن به

ذهن استاد میرباقری نزدیک‌تر گردد.

گفتار چهارم با عنوان «کلیاتی پیرامون فلسفه تاریخ شیعی» در اصل مقاله‌ای است که دوست فاضلم، حجت‌الاسلام یحیی عبداللہی از بحث فلسفه تاریخ استاد آماده کرده بودند که با اضافه کردن فیش‌ها به آن و بازنویسی جزئی به این شکل در آمده است.

گفتار پنجم با عنوان «تعالی رحمانی؛ توسعه شیطانی» مبتنی بر فیش‌برداری از مقالات و گفتارهای منتشر شده از حجت‌الاسلام والمسلمین میرباقری از نوآوری‌های مهم این کتاب در معرفی اندیشه ایشان است؛ چراکه در این گفتار یکی از بهترین مسیرهایی را که کلام نظری استاد برای تولید یک نظریه عینی و کاربردی در حوزه مدیریت اجتماعی طی می‌کند، ارائه شده است. کسانی که پیش از این با مباحث رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم آشنایی دارند، برها درگاه‌های «دین حداقلی و حداکثری»، «اقامه و عمل» و «تعالی و توسعه» را در مباحث ایشان دیده و شنیده‌اند. از این سه گروه مفاهیم، اولی و دومی مربوط به مباحث نظری دین‌پژوهی ایشان است و سومی از کاربردی‌ترین مفاهیم مدیریت اجتماعی در اندیشه وی.

این فصل توضیح می‌دهد که چگونه دو مفهوم «عمل» و «اقامه جلوه فقهی دو مفهوم کلامی «دین‌داری حداکثری» و «دین‌داری حداقلی» هستند و اگر دین جامعه‌ای «دنیاپرستی» باشد یا «خداپرستی»، چگونه منشأ تعریف دو مفهوم مدیریتی کاملاً متضاد «تعالی رحمانی» و «توسعه شیطانی» می‌شود. به نظر می‌رسد این بهترین و قابل فهم‌ترین میان‌بری است که می‌توان برای انتقال از مباحث پایه‌ای کلام به مباحث مدیریت اجتماعی در اندیشه استاد پیدا کرد که البته اتصالی متین، علمی و کاربردی بین دو طرف اصلی پازل فکری ایشان است.

در مباحث این فصل از مقاله‌ای که دوست فاضلم، جناب آقای حسن

نوروزی با موضوع «تعالی و توسعه» از سخنرانی استاد میرباقری در همایش گرامیداشت پروفیسور نقیب العطاس مالزیایی آماده کرده بودند، بهره وافر بردم و لذا در مطالب این فصل و جمع‌بندی آن به ایشان مدیون هستم.

گفتار ششم با عنوان «جریان‌های فعال اجتماعی در جهان اسلام» شامل مواضع اصلی رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم درباره قطب‌های فعال اجتماعی جهان اسلام در دوره‌ای است که به نظر وی، عصر «منازعه اسلام و تجدد» است. البته در توضیح منازعه اسلام و تجدد به آنچه در گفتار پنجم آمده، اکتفا شده است و توضیح تفصیلی آن به کتابی دیگر موکول می‌گردد. اما آنچه در این فصل آمده، تلخیص جریان‌شناسی سه‌گانه ایشان از وضعیت امروز ایران و جهان اسلام است که بنیان اصلی کتاب معروف ایشان یعنی **کالبدشکافی بر کفر و کفر می‌باشد**. تفصیل این بحث را در کتاب فوق می‌توان مطالعه کرد؛ در این کتاب یک دقت ویژه و جدید از ایشان منعکس شده است که همان تفکیک دو موج عربی شدن جهان اسلام است. موج اول موج آغاز مواجهه با تجدد است و موج دوم، موجی است که «تحول‌خواهان مذهبی» را در نوردیده است. این تفکر جدید استاد میرباقری در فرصت کوتاهی که از سوی ایشان برای تدوین همین کتاب در نظر گرفته شده بود به بنده گوشزد گردید؛ لذا شاید برای اولین بار در این کتاب منعکس شده باشد.

گفتار هفتم با عنوان «نظام اجتماعی مبتنی بر ولایت فقیه» مقاله‌ای است که دوست گرانقدرم، مهندس محمدحسین جزایری به درخواست نویسنده در موضوع ولایت فقیه نوشته‌اند. این مقاله حاصل فیش‌برداری وی از دو دوره تدریس مبحث ولایت فقیه استاد میرباقری و با استفاده از کتاب ارزشمند **نظام معقول حجت‌الاسلام والمسلمین پیروزمند - دوست، همکار و همفکر استاد میرباقری در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم - و بر پایه تجربه شخصی مهندس جزایری در تدریس مبحث ولایت فقیه بود که در**

سال ۸۹ بدون هیچ دخل و تصرفی به اولین ویرایش این کتاب اضافه شد. این مقاله نیز با ویرایش و تصرفاتی صوری و نگارشی، برای ویرایش نهایی این کتاب تحریر گردید؛ لذا در مطالعه این گفتار از زحمات ایشان بهره‌مند می‌شویم.

گفتار هشتم با عنوان «مأموریت امروز جبهه حق: تمدن نوین اسلامی» که گفتار پایانی این کتاب است، مبتنی بر فیش‌برداری بوده و منبع اصلی آن، کتاب *گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی* استاد و هم‌مین‌طور چند سخنرانی کلامی ایشان در سال‌های ۹۱ و ۹۲ می‌باشد. این گفتار که در اصل پایانی بر این دوره بینشی است، راهنمایی است کارآمد و مفید برای شناخت دیدگاه‌های علمی - فرهنگی عمیقی که در جبهه تمدن‌گرایان اسلامی در حال فعالیت جدی هستند. این فصل از منظومه بینشی استاد میرباقری ارزش زیادی دارد؛ چراکه طی آن، خواننده برای پیرسان به مأموریت علمی - فرهنگی جریان موحدین مجاهد دعوت می‌شود و بر همین اساس از زبان ایشان با تعدادی از مکاتب هم‌جهت و همدل در مسیر مأموریت فرهنگی انقلاب اسلامی آشنا می‌گردد.

همان‌طور که می‌رسد اگر کسی با این چنین اعتقادی و بینشی که از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین میرباقری ارائه شده است، به خوبی ارتباط برقرار کند، وارد محیط جبهه علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی شده و مأموریت عمیق‌تری از فعالیت جبهه حق را درک کرده است و می‌تواند با قلب و فکر و عمل خود به آن ملحق شود. کاری که مسیر انسان را به سمت لایه‌های فرهنگی‌تر مأموریت انقلاب اسلامی تغییر خواهد داد و به تعبیر استاد میرباقری او را با «ضرورت انقلاب فرهنگی» همراه خواهد نمود.

(و بر روی جلد و در معرفی این کتاب در صفحات اولیه آن از تعبیری با عنوان کلام اجتماعی استفاده شده است. این تعبیر اگرچه مبتنی بر یک تلقی خاص از ماهیت حکمت کلامی استاد میرباقری است، اما شاید این اصطلاح

مجموع خود ایشان نباشد؛ این کتاب سعی کرده است آن را به صورت یک اصطلاح درآورد. تاجایی که در منابع موجود قابل تتبع می‌باشد، استاد این عبارت را به صورت مستقل و در قالب یک اصطلاح مشخص علمی در جایی به کار نبرده‌اند. بر همین اساس بر خود لازم می‌دانم که برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم و خلط اصطلاح، آنچه را که از این اصطلاح در این کتاب منظور بوده است، با کمی تفصیل توضیح دهم.

کلام، دانشی است قدیمی، مضاف به ادیان که محتوای آن اصول و بنیان‌های اعتقادی آن دین است و با روش‌های درون دینی و - یا حداقل - مورد تأیید آن دین، در پی «تبیین»، «توضیح» و «دفاع» از آن دین است.

علم کلام در جهان اسلام، تاریخی پر فرازونشیب داشته است. از نیمه دوم قرن اول اسلامی تا اختلافات فکری در اصول و فروع دین رنگ‌وبوی پرسش‌گری و حتی مناقشات فرهنگی پیدا کرد، مکاتب مهم فقهی - که به شرایع و فروع دینی مربوط شده - ابتدا فقه اصغر نامیده می‌شدند - و همچنین کلامی - که به مباحث مبانی و اصول دین اسلام می‌پرداختند و در ابتدا فقه اکبر نامیده می‌شدند - کم‌کم شکل گرفتند و در اندک زمانی در جهان اسلام ریشه دواندند. در اینکه وجه تسمیه این نام با کلام چیست، نظریات مختلفی وجود دارد؛ این وجه تسمیه هرچه که باشد، گوهر اصلی این دانش را در قالب سه اصل ذیل می‌توان دید:

- مربوط به اصول و بنیان‌های اعتقادی دین بودن.

- کارکرد «تبیینی» تا «توضیحی» و «دفاعی» داشتن برای آن دین.

- روش تجزیه و تحلیل علمی در آن هرچه که باشد، بر روی منابع تولید شده توسط اولیاء آن دین کار می‌کند.

اگر سه اصل فوق را گوهر علم کلام - حداقل در هزار و اندی سال که در جهان اسلام در حال تطور بوده است - بدانیم، باور خواهیم کرد که این علم در این مدت، برای حفظ کارکرد و غایت خود که تبیین و توضیح و

دفاع از دین بوده است، برطبق نیازها و شرایط، تغییرات و تحولات کمی و کیفی در خود شاهد بوده و بارها تجدید و نو شده است. اگر این فرض را بپذیریم، در صورتی که تبیین و توضیح و دفاع از دین، باز هم نیاز به ورود به عرصه‌های جدید داشته باشد، لاجرم باید حرکت علم کلام را نیز به سوی این عرصه‌های جدید، بپذیریم. ورود علم کلام شیعی به عرصه‌های جدید حداقل - و به نحو استقراء - به دو نحو ممکن است:

با حفظ بنیان‌های اصلی علم کلام شیعی، موضوعات جدیدی که پیش از این، جواب کلامی آن‌ها مورد تحلیل قرار نگرفته بود، وارد این علم شود. این نحو از تبیین، نوعی از تغییرات «کمی» است. این تحولات علمی تا آنجا پیش رفته‌اند که در برخی موارد سعی شده است کلام‌های مضافی از دل کلام اولی جمع‌بندی و استنتاج شود. مثل اینکه با تکیه بر اصول کلام موجود، موضوعات سیاسی یا اقتصادی و اجتماعی را به صورت مجزا و نظام‌مند، اما مضاف به کلام اولی، دسته‌بندی کرده و مرتبه دهیم. عنوان «کلام اجتماعی» در این کتاب، اگرچه نقاط اشتراک و مشابهت‌هایی با مسائل کلامی مضاف به دانش اجتماع دارد، اما منظورش آن نیست.

اگر تغییرات علم کلام به نحوی باشد که مبانی و حتی روش تحقیق این علم تغییر کند به وسیله آن، دانش کلام دستخوش تغییرات «کیفی» می‌گردد؛ در این صورت قطعاً عرصه‌هایی که دانش کلام می‌تواند به آن‌ها ورود کند و در آن‌ها کارآمد باشد نیز دستخوش تحولات کیفی خواهد شد و عرصه‌های جدیدی از تبیین و توضیح و دفاع از دین را تجربه خواهد نمود. منظور از اصطلاح «کلام اجتماعی» در اندیشه رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم، رسیدن به تغییری چنین کیفی در دانش کلام است.

به نظر می‌رسد که استاد میرباقری به دنبال تحولی کیفی در کلام اولی است، نه یک تحول کمی و تولید کلامی مضاف. به تعبیر دیگر، ایشان می‌خواهند مضاف‌الیه «اجتماعی» را پسوند کلام اولی کنند، نه اینکه آن را به عنوان یک

بخش خاص از علم کلام، به صورت مجزا تنظیم و تبویب نمایند. به نظر ایشان، مأموریت تبیین و توضیح و دفاع از دین، در زمانی که شیعه حکومت تشکیل داده است، می‌تواند رنگ‌وبویی غیر از معنای معهود از تبیین و توضیح و دفاع داشته باشد. به نظر ایشان، در زمانه‌ای که مأموریت محوری انسان شیعه، تشکیل و سامان‌دهی به یک حکومت دینی است، علم کلام نیز باید از ابتدا به‌نحوی بازخوانی شود که گزاره‌هایش بر این مدار جدید به تبیین و دفاع از شیعه پردازد؛ بنابراین همه مسائل و گزاره‌های آن:

اولاً باید در مقیاس «حادثه‌سازی» اجتماعی تحقیق شده باشند، نه در مقیاس پاسخ‌گویی منفعلانه به پرسش‌ها؛ کلام شیعه باید به‌نحوی باشد که بتواند فضای اعتقادی رقیبانش را به پاسخ‌گویی وادار کند.

ثانیاً به یک ضرورت منجم و «بینش‌ساز» اعتقادی تبدیل گردد که برای شیعیان و مأموریت‌مداران لازم است و گرنه هیچ‌کسی را بدون داشتن بینشی نافذ و با بیان کلیاتی از امر حلاقی و التزامات عملی، نمی‌توان متوجه مأموریت خطیرش نمود.

ثالثاً حداکثری و راهبردساز باشند؛ یعنی در این علم باید رابطه اعتقادات دینی با همه عرصه‌های زندگی بشر موضوع تحقیق باشد، نه فقط رابطه انسان با پرستش خدا در دایره‌ای محدود؛ که این دومی مخالف مأموریت انقلاب اسلامی در تنظیم نظام اجتماعی حداکثری است.

رابعاً و از همه مهم‌تر اینکه واحد مطالعه علم کلام باید از مطالعه اعتقادات فرد، به مطالعه اعتقادات اجتماعی ارتقاء یابد. اگر جامعه را محصول جمع جبری انسان‌ها بدانیم، نظام اجتماعی، اعتباری خواهد بود و اساساً علوم کمک‌شایانی به مأموریت جدید شیعه در انقلاب اسلامی نخواهند کرد و این مأموریت نیز به امری اعتباری تعلق گرفته است! اما اگر جامعه را یک امر حقیقی و اصیل بدانیم، نظام اعتقادات می‌تواند از ابتدا برای موضوع جامعه حقیقی، مجزا و مستقل از فرد حقیقی صورت‌بندی شود و به این معنا دانش



کلام، در موضوع مبنایی خود، دستخوش تحولی کیفی گردد.

اگر توانسته باشم به خوبی این موضوع را توضیح دهم، بر این اساس حجت الاسلام والمسلمین میرباقری به دنبال یک تغییر کیفی در علم کلام است که مبتنی بر آن، این علم موضوعاً از تبیین و توضیح و دفاع از نظام اعتقادات فرد، به نظام اعتقادات اجتماعی روی خواهد آورد و در ثانی، به پیشی حادثه‌ساز، حداکثری و راهبردی در خدمت یک انسان شیعه در عصر جدید تشیع (عصر انقلاب اسلامی) مبدل خواهد شد. منظور این کتاب از «کلام اجتماعی» چنین تحولی است.

در بیان لازم می‌دانم که به شما خواننده محترم یادآور شوم که این کتاب فقط تقریر یک طلبه و دانش‌پژوه جوان از نظریه یک متفکر و استاد گرانمایه است؛ لذا اگرچه هیچ تفکری اشتباه مبراً نیست، اما چنین نیست که اشتباهات فاحش و پیش‌پا نهاده‌ها - که حتماً دیده خواهد شد - به صاحب نظریه نسبت داده شود. لذا از شما تقاضا دارم که با مشاهده هر اشتباهی، حتماً به یاد نویسنده بیفتید و برای آن حداوند رزق روزافزون معنوی و علمی طلب کنید و چنانچه فرصتی هست، وی را از طریق آدرس: [ho.mahdzade@chmail.ir](mailto:ho.mahdzade@chmail.ir) از اشتباهات و مشکلات این کتاب آگاه کنید.

۵ جمادی الثانی ۱۴۳۵

قم المقدسه

حسین مهدی‌زاده